

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مریم (جله دوم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۳/۱۱/۸

ان شاء الله به همه آرزوهایی که الهی است دست پیدا کنیم صلوات

مطالبی که قصد ارائه آن را داریم تحت عنوان مهارت های زندگی در سوره مبارکه مریم بیان می کنیم.

۱. مطالبی که در سوره مطرح شده، در بستر خانواده اتفاق می افتد.

بعضی از این مطالب به صورت مستقیم و برخی به صورت غیر مستقیم هستند؛ مستقیم: محرومیتی که با انسان هست و تا آخر هم خواهد ماند. محرومیت های دنیایی در طبع دنیاست و ممکن هم هست برطرف نشود. به صرف داشتن یک محرومیتی نمی توان گفت که خدا از انسان دور است زیرا دور و نزدیک بودن به خدا وابسته به داشتن و نداشتن محرومیت نیست.

خدوند محرومیت های دنیایی را به تقرب و نزول رحمت قرار نداده است بلکه نزول رحمت به معنویت وابسته است نه به داشتن امکاناتی از دنیا. البته داشتن امکانات خوب است ولی نداشتن آن دلیل دوری از معنویت نمی-شود.

غیر مستقیم: بحث ازدواج؛ غایت و نهایت ازدواج تنها به دست آوردن نسل و فرزند نیست، ازدواج در ذات خود یک اصالت و ارزشی دارد. (بطور مثال حضرت زکریا(ع) بچه دار نشدند اما همسر دیگری هم اختیار نکردند) سوره در بحث ازدواج اصالت هایی قائل شده است که شخص حتی به خاطر بچه دار شدن هم دنبال همسر دیگری نمی رود.

در سوره بالاخص در داستان حضرت زکریا(ع)، یک اصالت خاصی برای همسر مطرح شده لذا برای کسانی که روی تعدد زوجات حساس هستند، این سوره دید خوبی نسبت به آن ندارد.

در این جا خود زوجیت مطرح است که در کتاب بیت پنج مدل زوجیت مطرح شده که یک مدل آن ارتباط معنوی است. این ارتباط معنوی جلب رحمت از طرف خدا می‌کند.

۱. تربیت فرزند: در باب تربیت فرزند در سوره نکته مهمی بیان شده است که مطرح می‌کند تربیت فرزند از قبل از تولد آغاز می‌شود و خیلی وابسته به آرزوها، اهداف و مقاصد والدین است. ازین رو این موضوع از مواردی است که به طور جدی نیازمند دعا است.

این سوره نشان می‌دهد برای اینکه یک زنجیره سالم و صالح ایجاد شود دعا کردن اثر دارد. دعایی را که پدر و مادر برای جلب رحمت خدا به وسیله فرزند می‌کنند به شرط عبودیت به هدف اجابت می‌رسد. (این شرط مهمی است.)

۲. نماز، زکات، بر به والدین و آموزش کتاب آسمانی و وحیانی مواردی است که بعنوان محور تربیت فرزند مطرح شده‌اند. یعنی در این سوره می‌توان محورهای تربیت فرزند که والدین خود در عمل نسبت به آن مقدم هستند بیان شده است.

۳. اعتقاد و اطمینان به غیب همان ایمان به قدرت و علم خداست و از آن نشأت می‌گیرد.

رزق از مفاهیم بسیار ویژه و مهم در زندگی انسان است. البته این مفهوم نوعاً در ذهن ما با مصادیق خاصی معنا پیدا کرده است. مثلاً ما رزق را در غذا خوردن می‌دانیم در صورتی که شاد بودن، خوش بودن و سلامتی رزق هستند. انسان باید کاری بکند بهره بیشتری از رزق الهی ببرد. هرچه که رزق به سمت معنوی بودن پیش برود به رضایتمندی نزدیک می‌شود و هر چه به سمت مادیات برود حس رضایت مندی برای او حاصل نخواهد شد.

ما رزق‌هایمان را حجمی می‌سنجیم در صورتیکه در سوره یک بحثی مطرح شده به نام برکت که حجمی نیست. حضرت عیسی (ع) درباره خودشان می‌گویند که خدا مرا در هر جا که باشم مبارک قرار داده است. یعنی خدا به پیامبرش وعده داده که او مبارک باشد. یک بخشی از این نوع نگاه به رزق که باید اصلاح شود، همین دیدگاه حجمی است.

تغییر زاویه نگاه نسبت به رحمت و برکت باعث می‌شود دید انسان گسترش پیدا کند. ازین رو هرچه به رزق الهی نزدیک می‌شویم دخالت انسان‌ها کمتر و در جهت دنیای مادی دخالت انسان بیشتر می‌شود.

یک آدم مومن اگر در زندان هم باشد می‌تواند فضایی برای مناجات خدا پیدا کند و از طرف دیگر فردی که حتی در طبیعت زیبایی هم زندگی کند، می‌تواند شرایطی برای خود فراهم کند که برایش مثل زندان باشد!

ذَالِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۳۴)

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۳۵)

ما اعتقاد داریم که حضرت مسیح(ع) فرزند خدا نیست و این برداشت به طور کامل از آیه استنباط می‌شود. یک برداشت دیگری که می‌توان با این آیه و آیات مبارکه سوره یس داشت این است که ما قول خدا را مساوی با امر خدا و امر خدا را مساوی با کن فیکون یا خلقت در نظر می‌گیریم. طبق این دو آیه امر خدا که قول خداست مساوی با کن فیکون بوده که در مورد حضرت عیسی(ع) اتفاق افتاده این است. اینکه حضرت عیسی(ع) بدون اسباب ظاهری متولد شده‌اند در واقع نمایش خدا برای قول حق خویش است. یعنی اگر می‌خواهید بفهمید خدا چگونه در عالم کار می‌کند یک نمایشگاهی درست کرده به نام نمایشگاه حضرت عیسی(ع) و در این نمایشگاه نحوه تجلی امر خدا در عالم ذکر شده است و این حقیقت هم تنها مربوط به حضرت عیسی(ع) نیست بلکه طبق این آیات این گونه است که هر مخلوقی با امر خدا پدیدار می‌شود یعنی برای هر مخلوقی در هر شانی یک امر خدا وجود دارد، پس اتصال هر مخلوقی مستقیماً با امر، قول خدا و کن فیکون است. یعنی یک مخلوق به وسیله مخلوق دیگری بوجود نمی‌آید بلکه به وسیله امر خدا موجود می‌شود و این را می‌توان در هر امری مشاهده کرد. اگر کسی این موضوع را متوجه بشود به توحید رسیده است.

اگر کسی خداوند را در خلق کردن موجودات نیازمند به شرایط(اسباب و وسایل) بداند، برای او ولد برگزیده است. اگر آن را هم ردیف با خداوند قرار دهد شریک خواهد بود و اگر بالاتر بگیرد ولی می‌شود و اگر پائین‌تر بگیرد ولد می‌شود که در سوره مبارکه اسراء مطرح شده است.

نسبت ما با اسباب چگونه باید باشد؟ پاسخ این است که باید به صورت دعا باشد. ما باید اسباب را با دعا در راستای رفع نیازهایمان قرار بدهیم. در واقع این گونه است که اسباب، اقتضای استجابت تولید می‌کنند. لذا دعا خود به عنوان یک سبب مطرح شده است.

شرایط طبیعی به هیچ وجه مانع استجابت دعا نیستند این شما هستید که از امکانات وسیعی استفاده می‌کنید و ازین رو در دعا کردن برایتان توسع ایجاد می‌شود.

ما در مواجهه مان با خدا خیلی تفصیلی کار نمی‌کنیم و می‌گوییم که خدایا هر چه صلاح هست خودت به ما بده. این یعنی این که ما قدرت تفکر و تفصیل نداریم در صورتیکه استفاده از تفصیل در دعا نشانه عبودیت انسان است. ما در یک پس زمینه اسباب زندگی می‌کنیم و لحظه به لحظه ما با اسباب درگیر است و برای هر سببی هم جداگانه دعا می‌کنیم. اینها هر کدام به مرحله بالاتری وصل می‌شوند و انبیاء نیز چون می‌دانند در پشت هر سبب ظاهری اراده خدا وجود دارد، توجه به اسباب برایشان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این گونه می‌شود که کسانی که به صورت اجمالی دعا می‌کنند، قدرت تفصیل مسیر یابی را نخواهد داشت. مثلاً دعا کردن برای عاقبت به خیر شدن یک دعای کلی است اما تفصیل آن این می‌شود که خدایا به من قدرت صله رحم، نماز اول وقت و... بده. زیرا کسی که دعا می‌کند در آن یک القاء رحمتی است که اگر به صورت کلی دعا کند القاء نمی‌شود اما اگر به تفصیل دعا کند راه‌ها خود بخود به انسان القاء خواهد شد.

ما از خدا در واقع اسباب را نمی‌خواهیم بلکه رحمتی را که به وسیله آن سبب برای ما قرار داده است را طلب می‌کنیم. در واقع این که ما به اسباب توجه می‌کنیم دو چیز است، یکی توجه به اسباب است و یکی اینکه در این سبب اراده و قول خدا جاری است.

شما به وسیله نیازها، تفصیل در نیاز را ایجاد می‌کنید. این که انسان یک نیاز کلی داشته باشد و بتواند تفصیل آن را بدهد، تفصیل در دعا ایجاد می‌شود و تفصیل در دعا نیز موجب توجه به رافع نیاز می‌گردد و در اینجا است که مقام اسماء ایجاد می‌شود. کسی نمی‌تواند بگوید من فقط اسم اعظم را می‌خوانم زیرا اسم اعظم بعد از تفریع است زیرا اسم اعظم را کسی می‌تواند پیدا کند که تفصیل در انواع دعا داشته باشد.

یکی از مهارت‌های مهم زندگی تفصیل در دعا است، به این صورت که تدارک اسباب به صورت جزئی از خدا خواسته می‌شود ولی اراده او بدون قید و شرط جاری در تحقق دانسته می‌شود.

تفصیل در دعای تربیت فرزند: یکی از مهارت‌های مهم در زندگی تفصیل دعا در تربیت فرزند است؛ به این صورت که تدارک اسباب به صورت جزئی از خدا خواسته می‌شود (مثلاً اینکه از خدا می‌خواهم فرزندم شاهد کار خلاف من نباشد) اما می‌دانیم که تنها اراده او جاری است.

انسان‌ها لازم است بدانند همه رخدادها و پدیده‌ها همانند حضرت عیسی (ع) بوجود می‌آیند. وجود یافتن موجودات در طبع و ذاتشان وابسته به شرایط و امکانات نیست تنها در لایه‌ای از اسباب خود را مخفی می‌کنند.

اگر نیاز انسان تفصیلی شود، اضطرازش نیز تفصیلی خواهد شد. (نظام اسبابی که به آن اتکا می‌کند تفصیل پیدا می‌کند). برای نمونه می‌توانید به دعای عدیله مراجعه کنید. در این دعا به ما یاد می‌دهد که برای هر یک اتفاق و اضطراب باید به کدام اسم رجوع کند. بطور کلی دعا در حالت تفصیل است که به اوج و نهایت خود می‌رسد و دعا در حالت غیر اضطراب کارایی زیادی برای انسان ندارد.

در واقع ما به اندازه فهم نیاز و فقرمان به خدا راه پیدا می‌کنیم و هرکسی به همان اندازه باید از خدا بخواهد. هرکسی ظرفی دارد که ممکن است کوچک یا بزرگ باشد و دلیلش هم این است که وقتی اول سوره را نگاه می‌کنید می‌گویید ذکر رحمت ربک عبده ذکر یا (ع) یعنی خدا رحمت خود را به زکریا (ع) ذکر می‌کند. اما حالا رحمت خدا به زکریا (ع) چیست؟ همان موقعی است که ایشان دعا کرد. یعنی عبد به واسطه نیازش به خدا اتصال پیدا می‌کند و به همان اندازه رحمت دریافت می‌کند، این که انسان خود دعا بشود پس زمینه زندگی‌اش نازل کننده رحمت خواهد شد. (گرچه ممکن است این خواسته به اجابت برسد و یا نرسد)

هرکسی هر دعایی را در هر سطحی که دارد تفصیلش بدهد بهتر است. دعاهاى دنیایی اجمالی خواسته شود و دعاهاى معنوی تفصیلی خواسته شود زیرا از آنجا که حواس انسان به مسائل دنیا پرت می‌شود بهتر است اصل ماجرا را بخواهد اما در معنویات این گونه نیست باید به تفصیل درخواست کرد. باید سبک زندگی انسان این طور باشد که دعا پس زمینه ذهن‌اش باشد.

اگر یک دقتی در زندگی‌هایمان بکنیم خواهیم دید که ما واقعا بسیار نیازمند به دعا هستیم. دلیلش هم این است که اگر یک نگاهی به اطراف بندازیم از نزدیک ترین افراد زندگی مان تا دورتر احساس می‌کنیم در حق آنها کوتاهی کرده‌ایم از همسر و فرزند تا همسایه و.. فقط دعا است که می‌تواند ترمیم کند (لا یملک الا دعا)

ما باید یک ظرفی برای وجود خودمان بسازیم که همه جوانب آن خالی باشد. دست‌گذاری را بالا ببریم و از خدا بخواهیم که آن را از رحمت خود پر کند. در واقع رحمت به وسیله دعا نازل می‌شود و نیاز من به این که حق پدر و مادرم را ادا کنم به وسیله است که می‌تواند ادا شود. حالا این جمله را که می‌گویند بر به والدین راهش این است که آدم برای بر به والدین دعا کند و از خدا بخواهد که برش را ادا کند..می‌توان فهم کرد.

ما به این دلیل که ظرف نیاز خودمان را توسعه دهیم زیاد از او می‌خواهیم به همین دلیل است که برخی حرزها مفصل و برخی حرزها مختصر اند. اصلا این که خداوند عنایت کند که آدم بداند چه عواملی دست به دست می‌دهد تا دعایی اجابت شود، رحمت است. یعنی دعا بیشتر جنبه تعلیمی پیدا می‌کند.

حضرت زکریا(ع) منفعت بچه را تفصیل دادند زیرا منفعت، اسباب را نمی‌توانست توسعه دهد. حضرت زکریا(ع) با خود فکر کرد که ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله علی کل شیء علیم و آیه‌ای برای هدایت مردم خواست. (اگر منفک از دیگران بود این را خواسته را نداشتند)

تنها علت بوجود آمدن موجودات خداست. طبق آیات قرآن هر انسانی در هر لحظه بطور مستقیم با خدا ارتباط دارد. چون مخلوق است و هر مخلوقی بلا واسطه به قول خدا و امر خدا ارتباط دارد.

هر انسانی هر لحظه به طور مستقیم با خدا ارتباط دارد و هر مخلوقی به اعتبار مخلوق بودنش با خدا ارتباط دارد.

نقش اسباب در حیا این است که اقتضاء و شرایط ایجاد می‌کند و این باعث می‌شود که بدون پرواز خدا همه چیز بخواهد.

محال‌ترین دعا آدم شدن ماست.. هر چه که انسان مفهوم آدم شدن را و محال بودنش را برای خدا بیشتر بفهمد، این آیه را بهتر می‌فهمد "قَالَ كَذَّالِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ"

ان شاء الله امشب به برکت امام حسن عسگری (ع) از خدا بخواهیم دعا کردن تفصیلی را به ما یاد بدهند و این که خدا به هر چیزی عالم است و ما را فراموش نمی‌کند. ان شاء الله کمک کنند در جهت بلند دعا کردن قدم برداریم و فکر نکنیم که استجاب دعا بند به اسباب است. این باور یک سرخوشی در انسان ایجاد می‌کند که او به واجبات نزدیک خواهد کرد.

دعا یعنی اظهار نیاز واقعی، یعنی اگر کسی تشنه است، دنبال آب برود.

خدا هدایت ر و بهشت را برای همه اراده کرده است. حالا اگر یک عده ای خودشان را محروم می‌کنند این کم لطفی خودشان است.

همین که انسان نیازش را تفصیل می‌دهد و دعا می‌کند، خدا به او عنایت خواهد کرد و خیلی از موانعش را به طور طبیعی رفع می‌کند.

رشد و تکامل آدمها را می توان از نحوه دعا کردنشان فهمید. متأسفانه ما روی موضوع دعا کار نکرده‌ایم و برای دعا کردن تفصیل نداریم لذا باید روی آن کار کنیم.

در خانواده‌ها حداقل هفته‌ای یک بار باید روی حدیث کساء کار کنیم. روی دعا در خانواده کار کنیم بعد خواهیم دید که حرف های خوبی در خانه جاری خواهد شد. زیرا زبانی که به دعا باز شود دیگر نمی تواند گناه کند و زبان دعا گو به طور طبیعی با گناه خدا حافظی می کند زیرا زبان دعا گو رحمت خدا را جاری می کند.

در خانواده تمرین دعا کردن کنیم مثل شب شعر.. بعد این فضا، فضای روحانی می شود و حضور ملائکه را احساس خواهید کرد. هر موقع که فضای غمی در خانواده بود یک وضو بگیرید و دعا کنید آنوقت می بینید که به همین سادگی فضا عوض می شود.

ما نیاز داریم به این که با خدا گفتگو کنیم. نیاز داریم که بهانه‌ای پیدا کنیم تا با خدا صحبت کنیم. بهانه جور کردن برای صحبت کردن با خدا یکی از کارهایی است که اولیاء خدا انجام می دهند.. ان شاء الله خدا این لذت را به ما نیز بچشانند.

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّيَّ وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَادِئًا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۳۶)

سوره حمد را که می خوانیم و می گوئیم اهدنا صراط المستقیم.. این عبادت و عبودیت می شود صراط مستقیم.. آیه ۳۶ به بعد پاسخ این سوال است که چگونه رحمت های خدا تبدیل به نعمت می شوند؟ نعمت همان رحمتش تشخیص و تعیین پیدا کرده است.

امشب شب میلاد امام حسن عسگری (ع) است، برای این که امشب برایمان مبارک و میمون باشد **صلوات**

هر کس از امام حسن عسگری (ع) عیدی می خواهد سطح دعایش را بالا ببرد. یکی از ویژگی های امام حسن عسگری (ع) این است که ایشان پدر امام زمان (عج) هستند. برای اینکه به برکت ایشان امام زمان (عج) ظهور کنند

صلوات

ان شالله که همه عیدی هایمان را از امام حسن عسگری (ع) بگیریم.. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات